

آغاز: ذکر البحار العظيمة و ما یجرى مجراها بالارادة القویمة؛  
انجام: و از آنجا جانب یاجوج و مأجوج ممتد شده و بحدود سد  
ذوالقرنین منتهی گردد و الله اعلم  
خط: نسخ و نستعلیق، کا: شاه ولی بن محمد امین سمنانی، تا: قرن  
۱۰، جا: هند؛ کاغذ: اصفهانی، جلد: کاغذی عطف تیماج قرمز  
مقوایی، ۸ص (۱۱۴-۱۲۱)، ۱۸ سطر (۱۳×۹/۸)، اندازه:  
۱۲/۵×۱۹سم [ف: ۴-۴۲۹]

## ● بحار العلوم / حدیث / عربی

biḥār-ul 'ulūm

جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ قمری  
ja'far ebn-e mohammad, emām-e šešom (700-766)

رساله ای است به روش عرفان باطنی شیعی که به نام امام  
ساخته اند. در هفت (تعداد در رساله ها متفاوت است) «معدن»: ۱.  
نزول وجود الکائنات من الالهيات در چند مخزن و جوهر؛ ۲  
العلوم الشرعية در ده جوهر؛ ۳. احوال رسول الله؛ ۴. الامامة و هو  
خلافة النبوة؛ ۵. الاعمال الظاهرة الشرعية؛ ۶. الاعمال الباطنة و  
الاخلاق المذمومة؛ ۷. الاخلاق المحمودة. در الذریعه (۲۷/۳)  
می نویسد: «و ذکر فی الדיباجة ما ملخصه ان الله تعالى علم نبيه  
جميع العلوم و اودع النبي صلى الله عليه و آله و سلم امير المؤمنين  
(ع) جميع ما علمه الله من الالهيات ... ثم قال مالقظه (و انا  
الصادق جعفر بن محمد سمعتها عن ابي و هو عن ابيه و هو عن  
ابيه ...) و كتب فی آخر النسخه (تم كتاب بحارالعلوم من  
تصنيفات مولانا الامام الصادق عليه السلام)». ممکن است در بدو  
امر چنین به نظر آید که مؤلف امام صادق (ع) باشد ولی آن  
کس که تبحر و حداقت در سخنان این بزرگواران و رسائل آنان  
دارد هرگز این گونه تألیفات را به آن حضرات نسبت نخواهد  
داد. چون مؤلف این کتاب اطمینان کامل به حقیقت مطالب  
کتاب داشته آن را به عنوان قول صادق (ع) نگاشته که می فرماید  
«سمعت عن ابي عن آبائه ...». صاحب الذریعه می افزاید سخن  
مؤلف در آخر نسخه که می نویسد «فما قلته هو حق و صدق من  
الله و رسوله و ما اختر عنه من قوادی کما ان الاشاعرة اخترعوا  
مسائل عن انفسها لا عن الله و رسوله» به این مطلب اشعار دارد و  
نیز استفاده می شود که تألیف آن بعد از پیدایش مذهب اشاعره  
است که بنیانگذار آن ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (۲۶۰-  
۳۲۴هـ) می باشد. با این توصیف تألیف کتاب در قرن چهارم یا  
بعد از آن است درحالی که امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ق  
رحلت فرموده است.  
آغاز: بسملة. الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب و لم يجعل له  
عوجا ... و بعد فاقول قد فكرت في نفسي و نظرت الي بعد هجرة  
جدی ...  
انجام: يا ذالفضل العظيم انه تعالى جواد كريم ملك بر روف  
رحيم

شد تا بر همه طالبین راه هدایت و نجات سهل و آسان شود؛ انجام:  
همگی را مقضی المرام دارین و معزز نشئین بدارد و از شر نفس  
اماره و شیطان  
خط: نسخ، بی کا، بی تا؛ افتادگی: آغاز و انجام؛ کاغذ: اصفهانی،  
جلد: مقوایی روکش کاغذ ابری عطف تیماج قرمز، ۱۰۷گ، ۱۶  
سطر (۱۲×۹/۵)، اندازه: ۱۷/۵×۱۱سم [ف: ۵-۱۵۹۴]

## ● بحار الحقيقة / عرفان و تصوف / فارسی

biḥār-ul ḥaqīqa

ژنده پیل، احمد بن ابی الحسن، ۴۴۱-۵۳۶ قمری  
žende-pīl, ahmad ebn-e abe-l-hasan (1050-1142)

تاریخ تألیف: ۲۷۵ق

در هیجده «باب»، با فهرست بابها در دیباجة، عنوانهای «فصل»  
و «حکایت» هم دارد، این هم باید املاء باشد به گواهی این که  
«شیخ الاسلام ... چنین گوید» در آن آمده است. در آن از «انس  
التائیین» یاد می شود عنوان: باب پنجم در بیان کردن طریق و  
طریقهای هر کسی و در بیان کردن کوران و جهودان و هفدهم:  
در بیان طالبان در گاه دارد.

چاپ: با مقدمه، تصحیح و توضیح حسن نصیری جامی، تهران،  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹ش، ۴۰۷+۵۲  
ص  
[دنا ۴۰۹/۲؛ فرهنگ ایران زمین ۱۶ و ۱۷: ۲۶۲؛ منزوی ۱۰۶۱؛ فهرستواره  
منزوی ۱۴۱/۷]

تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۳۳۲۶-ف

خط: نستعلیق، کا: محمد اعظم بن شیخ سلطان احمد جامی، تا:  
جمعه ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۵۸ (= ۴ اسد ۱۳۱۸)، جا: هرات؛ مقابله  
شده با اصل آن؛ ۳۶۶ص، ۱۵ سطر، قطع: ربعی [فیلمها ف: ۲-۱۲۳]

## ● البحار العظيمة و ما یجرى مجراها / جغرافیا / فارسی

al-biḥār-ul 'azīma wa mā yajrā majrā-hā

رساله مختصری در احوال مختلف دریا از جزر و مد و زیادات  
و نقصان آب که مطالب آن از تاریخ هرات اخذ شده و در آن  
نشان داده می شود که چگونه نور ماه در جزر و مد موثر است و  
همچنین کواکب دیگر در آب دریا تأثیر می گذارد پس ازین  
بحث در شرح پنج دریای زیر می پردازد: ۱. بحر الهند؛ ۲. بحر  
المغرب؛ ۳. بحر الشام؛ ۴. بحر نبطس؛ ۵. بحر طبرستان. پس از  
این پنج دریا دریاچه های کوچک شرح داده می شود: بحر بربر،  
بحر قلزم، بحر فارس، بحر اخضر، بحر اذر پیش، بحر طنجه، بحر  
یونان، بحر فرنک، بحر خنج، بحر الماس، بحر شمال، بحر  
سحاب، بحر مظلم.

تهران؛ ملی؛ شماره نسخه: ۱۹۵۷/۵

تهران: مجلس؛ شماره نسخه: ۱۰۴۸۱/۵

خط: نسخ تحریری، بی کا، تا: رجب ۷۴۰ق؛ ۶گ (۷۶پ-۸۱پ)، اندازه: ۱۹×۲۴سم [ف: ۳۳/۱-۴۸]

● **وصایا النبی لأبی ذر الغفاری (مترجم) / حدیث / عربی**

- فارسی

wašāya-n nabī li-'abī dar al-ġifārī (mutarjam)  
وصایای پیامبر اسلام (ص) به ابوذر غفاری یا عناوین «یا اباذر» است که در ۱۱ فصل و چند فقره مرتب شده و به صورت زیرنویس یا در حواشی نسخه به فارسی ترجمه شده است.

مشهد: رضوی؛ شماره نسخه: ۳۱۷۹۱

آغاز: بسمله. و اعلم یا الهی ان هذا من فقرات الحدیث الشریف ...  
یا اباذر اعد الله کأنک تراه؛ **انجام**: حقیقه الايمان حتى ترى الناس کلهم جمعی فی دینهم عقلاء فی دنیاهم  
خط: نستعلیق، بی کا، تا: ۱۲۴۸ق؛ محشی؛ اهدایی: رهبری، بهمن ۱۳۸۳؛ ۸گ، اندازه: ۱۲/۵×۲۱سم [اهدائی رهبر: ۲ اخبار ۲-۸۱۲]

● **الوصایا و الفصول / علوم غریبه / عربی**

al-wašāyā wa-l fuṣūl

جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۰ - ۱۴۸ قمری  
ja'far ebn-e mohammad, emām-e šešom (700 - 766)

رساله مختصری است در کیمیا و اکسیر که می گویند امام صادق علیه السلام در خطاب به فرزند گرامی اش امام کاظم علیه السلام آن را نگاشته و در ابتدای آن، این عنوان آمده است: «رساله الوصایا و الفصول لسیدنا الامام جعفر الصادق»، و در مقدمه اش آمده: «... فیقول بطریق الوصیة لولده الامام جعفر بن محمد الصادق رضی الله عنهما»، و در جایی از رساله از پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم به عنوان «جدنا» یاد شده است: «... و قال جدنا صل الله علیه و آله و سلم». در فهرست های مختلف چند رساله در کیمیا و اکسیر به امام جعفر صادق علیه السلام منسوب شده است (در این باره نک: استدراکات علی تاریخ التراث العربی، قسم الكیمیا و السیمیا: ۲۶/۸-۲۸).

در انتساب رساله های مذکور به امام صادق علیه السلام جای تردید و تأمل است؛ چنان که در جایی از رساله حاضر، ابیاتی از ارجوزه ذوالنون مصری (متوفی ۲۴۶ق) با دعای «رحمه الله» نقل شده و در اواخر رساله، مؤلف از تألیفات دیگرش یاد کرده است: «... فهذا تفسیر الأحرف التي كانت فی آخر تقوید الحکیم فتعبت فیها حتی فسرتها و كانت هذه الترجمة بالرومية فافهم ذلك و قد کتبت هیکلین برساتی التي كانت بینی و بین ملک الروم و كانت تلك الرسائلین بالقلم ففتلتهما بالقلم العربی ... فقد کتبت منه عدة نسخ و اودعتها بحلب». دانسته است که در تاریخ زندگانی امام صادق علیه السلام نامه نگاری به ملک روم و

حضور در حلب نقل نشده است.

از اختتامیه رساله برمی آید که شخصی به نام علی بن مصطفی بدری محرر رساله بوده است؛ چنانکه نوشته: «و قال محرر هذا الكتاب الراجی من المولی الصواب و الثواب علی بن مصطفی البدری اعلم أيها الناظر فی هذا الكتاب الجلیل و الدر التنظيم الجمیل ان الاستاذ جابر رحمه الله هو استاذ الكل من فلاسفة الاسلام و قد حیر الفلاسفة فی رموزه و أبهر العقول من الحكماء بالغوزه مع أنه تلمیذ هذا السید الامام و البطل الفرد الامام فكیف برموز سیده الذي أخذ العلم عنه و استنتی الحكمة منه ...».

مرحوم آیه الله مرعشی نجفی - ره - در یادداشتی بر ابتدای نسخه عکسی حاضر، انتساب رساله را به ائمه اطهار علیهم السلام رد نموده و آن را مجموعه ای از کلمات حکما و انبیا دانسته اند.

علامه طهرانی از چاپ رساله ای در علم الصناعة و الحجر الکرم منسوب به امام صادق علیه السلام در هیدبرگ به سال ۱۹۲۴ میلادی خبر داده و احتمال انتساب آن به جابر بن حیان را نیز مطرح کرده است. (حافظیان)

[تاریخ التراث العربی، فؤاد سزگین، المجلد الرابع (السیمیا، الکیما، النبات، الفلاحة: ص ۱۹۱-۱۹۵؛ استدراکات علی تاریخ التراث العربی، الجزء الثامن، قسم الكیمیا و السیمیا ...): ص ۲۶-۲۸؛ الذریعه: ۱۱/۱۳۱۰۷/۱۶]

قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۰۹۶

آغاز: بسمله. حمدله. و صل الله علیه و آله و سلم و صجبه أجمعین أما بعد فیقول بطریق الوصیة لولده الامام جعفر بن محمد الصادق رضی الله عنهما اعلم یا بنی ان هذه الصناعة لیست من شیء ثابت بمفرده و لاطیار بمفرده و انما هی من طیار و ممسک ذکراً و انثی حاراً و بارداً رطباً و یابساً و أصل الجمیع الماء القراح ثم انه ینتج ثلاثة أشياء نفس و روح و جسد و منها تقویم الخلائق فاحترص یا بنی علی ان تجمع بین هذه الثلاثة؛ **انجام**: فقد کتبت منه عدة نسخ و اودعتها مجلب فاعلم ذلك و الله خلیفتی علیک و هو حسبی و نعم الوکیل. تمت الوصایا بحمدالله و عونه و حسن توفیقه و قال محرر هذا الكتاب ... علی بن مصطفی البدری ... سیمیا فی قصة اسطانس مع الحكماء و ما أمرهم به چهاراً و قد زدتك فی بیان ذلك بیاناً و اندراً و أرجوات من الله المغفرة انه كان غفاراً.

نسخه اصل: کتابخانه ملی اتریش، ش ۲۳۹۳؛ خط: نسخ، بی کا، تا: گویا از قرن ۱۱؛ این نسخه عکسی را دکتر عدنان جواد الطعنة در ۱۹۸۵/۸/۲۲ به کتابخانه حاضر اهدا کرد و در ابتدای آن یادداشتی از مرحوم آیه الله مرعشی نجفی - ره - بدین مضمون آمده: «بسمه تعالی هذا کتاب فی علم الصنعة الشمسیة و القمریة والزهلیة منسوب الی مولینا الباقر علیه السلام و انه علیه السلام خاطب به ابنه مولینا الامام الصادق و بعد سنا فیہ تحقق انه لیس له علیه السلام و انه مجموعة من کلمات الحكماء و الأنبیاء و العرفاء کذی النون المصری و غیرهم و منشأ الاشتباه فی مورد منه یعبر عن النبی بجدنا رسول الله و عن الصادق یعبر یا بنی و بالجملة انا مطمئن بأنه لیس من تألیف الامام علیه السلام فلیتأمل. شهر محرم الحرام سنه ۱۴۰۶ قمری»؛ ۶۶ص، ۱۷سطر [عکسی ف: ۳-۱۹۱]

فرستگان: نسخ های خطی ایران (فخا)؛ جلد سی و چهارم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران

DIA 276272

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱۴ / ۱۳۹۳

تهران؛ ادبیات؛ شماره نسخه: ۲۷۴/۲

خط: نسخ، بی کا، تا: قرن ۱۰ و ۱۱ [ف: ۳-۴۲]

← اکرادنامه ← شرفنامه

← الاکر المتحرکه ← تحریر کتاب الکرة المتحرکه

● الاکر المحمودیة فی علم المثلثات الکرویة / ریاضیات

/ فارسی

al-ukar-ul maḥmūdiya fi 'ilm-il muṭallatāt-il kurawīya

منجم قمی، میرزا محمود خان، ق ۱۴ قمری  
monajjem-e qomī, mīrzā mahmūd xān (- 20c)

تاریخ تألیف: رمضان ۱۲۷۶ق؛ محل تألیف: پاریس  
مؤلف، پس از مدت‌ها تحصیل در پاریس این کتاب را در  
مثلثات برای اعتضاد السلطنه وزیر علوم نگاشته و به تهران  
فرستاد. معلم این مؤلف در ۱۲ مه ۱۸۶۰ م تقریظی به فرانسه به  
خط خود در پایان نسخه نوشته است.

تهران؛ سپهسالار؛ شماره نسخه: ۵۳۸

خط: نستعلیق شکسته، کا: محمود قمی، تا: رمضان ۱۲۷۶ق، جا:

پاریس؛ در ده روز به خط محمود قمی که شاید مؤلف کتاب  
باشد نوشته شده است، تقریظ استاد مؤلف به زبان فرانسه در آخر  
نسخه به تاریخ ۱۲ مه ۱۸۶۰ م. هست؛ کاغذ: فرنگی، جلد: مقوایی  
ابری. ته تیماج سرخ صحافی شده پاریس، ۷۷گ، ۱۲ سطر،  
اندازه: ۲۱×۱۴سم [ف: ۳-۱۸۱]

● اکسپوزسیون کلمبین / صنعت / فارسی

ekspozēsīyon-e kolombayn

سروش اصفهانی، ابوالقاسم بن محمد علی، ق ۱۳ قمری  
sorūš-e esfahānī, ab-ol-qāsem ebn-e mohammad 'alī (-  
19c)

مترجم: جان طیلر و ابوالقاسم پسر مرحوم میرزا محمد علی خان  
شمس الشعراء، تألیف: ۱۸۹۰م.

در سال ۱۸۹۰م اکسپوزیونی از صنایع عالم در شیکاگو  
(اتازونی) تشکیل می‌گردد و دولت ایران نیز در این نمایشگاه  
شرکت می‌کند. روزنامه‌هایی که شرح اکسپوزیون را نوشته‌اند  
از صنایع ایران نیز تمجید کرده‌اند. این روزنامه‌ها بعداً به‌وسیله  
جان طیلر مترجم سفارت اتازونی و میرزا ابوالقاسم خان مترجم  
زبان فرانسه آن سفارت‌خانه ترجمه می‌شود و برای ناصرالدین  
شاه ارسال می‌گردد. ضمناً قصیده‌ای درباره وضع ایران میرزا  
ابوالقاسم می‌سراید که دارای این عنوان است «قصیده در وضع  
نظم ایران بتوجهات خاصه ملوکانه و تشویق حضرت مستطاب  
اشرف صدر اعظم».

تهران؛ ملی؛ شماره نسخه: ۱۹۵

آغاز: بسم الله تعالی شأنه العزیز، در این عصر که بتأیید ایزد متعال  
و میامن اقبال شاهنشاه بیهمال زینت تاج و گاه؛ انجام: واضح  
است که جناب مسیو پرات و سایرین و وکیل دولت اتازونی و  
اعضای کبیر عمارت ایرانی که هریک بدرجه مساعی جمیله خود  
را محض جلوه امتعه مزبوره بعمل آورده اند از انتظار محو نخواهد  
شد

خط: شکسته نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۳، جا: طهران؛ مجدول؛  
کاغذ: فرنگی، جلد: مخمل آبی، گل و بته، ضریبی، مقوایی،  
۱۲گ، ۱۲ سطر (۱۰×۱۴)، اندازه: ۱۹/۵×۲۴/۵سم [ف: ۱-۱۹۴]

← اکسیر ← کیمیا

← الاکسیر ← امر مستور الصنعة

● الاکسیر / کیمیا / عربی

al-iksīr

منسوب به علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، -۴۰ قمری  
(mansūb be) 'alī ebn-e abī tāleb, emām-e avval (- 661)

آغاز: بسمله. الطریق الاقرب المختصر علی وجه اخر. ینسب الی  
امیر المومنین ... یوخذ من الذکر مقدار ویسحق و یهرق  
انجام: فاذا شرب الاجزاء الستة بالمدة المعینة والنار المذکور. فقد  
تمت فائدة الحمرة، و الله اعلم. تمت و الحمد لله

۱. تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۲۱۰۸/۸

آغاز و انجام: برابر

خط: نسخ، بی کا، بی تا؛ کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج قهوه‌ای ضریبی  
مقوایی، ۳گ (۱۴۶-پ-۱۴۸)، ۱۶ سطر (۵×۶/۵)، اندازه:  
۱۷×۱۰سم [ف: ۸-۷۴۴]

۲. تهران؛ ملک؛ شماره نسخه: ۶۱۹۶/۶

آغاز و انجام: برابر

خط: شکسته نستعلیق، کا: فضل الله بن آخوند ملازین العابدین  
بروجردی ملقب به شمس العلماء، بی تا؛ در پایان آن فائده الحمرة  
یاد شده است؛ کاغذ: فرنگی، جلد: قهوه‌ای لائی، ۱گ (۱۴-پ-  
۱۵ر)، ۲۵ سطر، اندازه: ۱۷/۷×۱۰/۸سم [ف: ۹-۲۴۶]

● الاکسیر / کیمیا / عربی

al-iksīr

جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ قمری  
ja'far ebn-e mohammad, emām-e šešom (700-766)

این رساله که منسوب به امام جعفر صادق است در اکسیر نگاشته  
شده و در نه «وجه»: ۱. معرفة خواص اکسیر؛ ۲. معرفة آلات  
اکسیر؛ ۳. تجزیه حجر بر اجزاء اربعه؛ ۴. اخذ اول در طلوع آب  
با نار لطیفه؛ ۵. اخذ در کبریت بتحلیل جسد ثابت؛ ۶. اخذ در

فهرستگان: نسخه های خطی ایران (فخا)؛ جلد چهارم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران: سازمان

DIA 276241

اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰/۲۰۱۲

گفتگوی امام و پزشک هندی درمی گیرد و او برای خداشناسی دلیلی نمی بیند و می گوید که بجز پنج حس راهی برای شناخت چیزها نداریم و با هیچیک از آنها خدایی شناخته نشد. امام فرمود که خدا را با خرد می شناسیم نه با پنج حس. تا پایان نامه امام از روی نگریستن به همان هلیله و پیدایی آن و از روی شناخت جهان طبیعت، خدای را ثابت می کند و صفت های او را روشن می دارد و پزشک هندی به خدای می گراید و سخنان امام را می پذیرد. در الذریعه (۴: ۲-۴۸۳) از چهار کتاب «اهلیله» یاد گردید: یکی از ابی یعقوب اسماعیل بن مهران بن ابی نصر زید سکونی کوفی از یاران امام رضا (ع)، دوم از ابی جعفر حمدان بن المعافی صبیحی شاگرد امام کاظم و رضا (ع) که گویا راوی این کتاب باشد (بحار)، سوم از ابی سلیمان داود بن کثیر بن ابی کلدیه رقی دارنده «اصل» و راوی ابی عبدالله و ابی الحسن که اندکی پس از امام رضا (ع) درگذشت، چهارم از امام جعفر صادق (ع) در پاسخ نامه مفضل بن عمر جعفری که گفتگویی است از او با پزشکی هندی و ابن طاوس در کشف المحجبه فصل ۱۶ ص ۹ و امان الاخطار باب ۶ فصل ۷ ص ۷۸ سفارش می کند که آن را در سفرها با خود بدارند و در آن بنگرند. مجلسی در فصل دوم جلد یکم بحار نوشته است که برخی از دانشمندان سنی هم آن را از امام صادق (ع) دانسته اند (۱: ۱۳). او در جلد دوم بحار (ص ۴۷-۶۲) همه «اهلیله» را به روایت از یک ناشناخته ای از محرز بن سعید نحوی از محمد بن ابی مسهر (مشتهر) در رمله از پدر او از نیایش آورده و گزارش نموده است. ابن شهر آشوب در معالم (ش ۸۰۹) آن را از مفضل و املاء صادق درباره توحید دانست. ابن ندیم در فهرست (ص ۲۵۰) در سرگذشت هشام بن الحکم از کتاب الدلالات علی حدوث الاشياء و کتاب التوحید او یاد کرده است که مانند همین اهلیله از خداشناسی در آنها گفتگو می شده است. این اهلیله را میرزا محمد رضای کلیاسی سپاهانی و نیز دانشمندی دیگر به پارسی در آوردند (الذریعه ۳: ۸۲).

اینگونه استدلالی که در «اهلیله» دیده می شود همان است که در حیوان جاحظ (۲: ۱۰۹ و ۲۹۹) هم آمده است و همان استدلال عنائی یا استدلال طبیعی الاهیاتی یا استدلال مبتنی بر علل غایی می باشد که از مدرسیان اروپا قدیس بوناونتورا و قدس توماس و همچنین بسوئه و کانت فیلسوف آلمانی بدان ارزش نهادند و پاره ای از استدلال های قرآن نیز روی همین پایه است که از نظام طبیعت بود علتی غائی و خدایی آگاه و دانا دریافت گردد. این دلیل را دانشمندان کالبدشناسی (وظائف الاعضاء) بیشتر آشنایی داشتند. بهترین دفتری که در این زمینه ساخته شده «اظهار حکمة الله فی خلق الانسان» ابوسهل مسیحی گرگانی فیلسوف ترسا است. اینگونه کالبدشناسی را جالینوس هم آشنا بوده و گویا چنانکه بیاد دارم بیرونی از او خرد گرفته که تو چون مردمی را دو چشم در جلو می بینی برای آن چنین غرض

### ● الاهلیله المربی لصحة داء السودان / اصول فقه / عربی al-ihlilaj-ul murabbī li-ṣiḥḥat-i dā'-is sawdā'

اخباری، محمد بن عبدالنبی، ۱۱۷۸-۱۲۳۲؟ قمری  
axbārī, mohammad ebn-e 'abd-on-nabī (1765-1817)

تاریخ تألیف: پنجشنبه آخر ربیع الاول ۱۲۲۹ق  
در این کتاب ضمن نقل مناظره ای بین «رامداس» که دانشمندی آشنا با کتب آسمانی بوده و شیخ محمد علی حزین لاهیجی (۱۱۰۳-۱۱۸۰ق)، عقاید مذهب اخباری را بیان کرده است. ماجرا در شهر بنارس اتفاق افتاده و از آنجا آغاز می شود که رامداس در پی یافتن اسلام واقعی نزد شیخ محمد علی لاهیجی می آید و در ابتدای داستان نیازش به اهلیله مربی را جهت درمان مرض سوداء بیان می کند.  
آغاز: بسملة الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد فقد کان فی سالف الزمان رجل یقال له رامداس قد قرء الکتاب السماویة

شیراز؛ مدرسه امام عصر (عج)؛ شماره نسخه: ۳۷۴/۴  
آغاز: بسملة الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد فقد کان فی سالف الزمان رجل یقال له رامداس قد قرء الکتاب السماویة  
خط: نستعلیق، کا: احمد بن محمد بن احمد عرصی، تا: ۱۲۴۲ق، جا: بندر بوشهر؛ ۳ گگ (۳۷-۳۹)، اندازه: ۲۱×۱۵سم [۱-۱۲۲]

### ● الاهلیله فی التوحید = الاهلیله / حدیث، کلام و اعتقادات / عربی

al-ihlilaja fi-t tawḥīd = al-ihlījīya

؟ جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ قمری  
ja'far ebn-e mohammad, emām-e šeṣom (700-766)  
این نامه چنانکه از آغاز آن برمی آید پاسخی است از امام جعفر صادق (ع) به مفضل پسر عمر جعفری کوفی و او به امام نوشت که کسانی در میان مسلمانان پیدا شدند که پروردگار را نمی شناسند و دلیل برای نبودن خدا می آورند و از شما می خواهم که بر آنان رد کنید و دلیل در برابر آنها بیاورید. پس امام چنین نوشت که نامه شما رسید و از اینکه گفته اید که خداشناسان پیدا شدند و شماره آنها بسیار گشت و دشمنی آنها فزونی یافت آگاه شدم. خواسته اید که از آنها خرده گیرم و کتابی در این باره بسازم چنانکه در رد بدعت گذاران و جدایی اندازان همین کار کرده ام تا اینکه میفرماید برای شما دفتری ساخته ام که در آن با برخی از پیروان دین ها که خدایی نمی شناسند گفتگو نمودم و آن بدین گونه است که پزشکی از شهرهای هند پیش من می آمد و با من درباره اندیشه خویش سخن می راند تا روزیکه هلیله ای (اهلیله) را می کوید و از آن دارویی می خواست بسازد که مرا به کار آید. در این هنگام

● مصباح الشريعة في فقه الامامية / فقه عربي

mişbâh-uş şarī'a fi fiqh-il imāmīya

یزد؛ وزیري؛ شماره نسخه: ۲۶۱۰/۳

بی کا، بی تا؛ اهدایی؛ وزیري؛ کاغذ: کبود اصفهانی، جلد: مقوا، اندازه: ۱۸×۲۳سم [ف: ۴-۱۳۶۳]

● مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة / عرفان و تصوف، حدیث، اخلاق / عربی

mişbâh-uş şarī'a wa miftāh-ul ḥaḡīqa

؟ جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۰ - ۱۴۸ قمری

ja'far ebn-e mohammad, emām-e šešom (700 - 766)

گفته‌های کوتاهی است منسوب به حضرت صادق علیه السلام در موضوعات اعتقادی و اخلاقی در صداباب. در نسبت این کتاب به حضرت اختلاف زیادی است بین دانشمندان است. دیباچه نگار آنهم پس از یاد کردن عنوان بالا آنرا از امام صادق (ع) دانسته است. علی بن طاوس (۵۸۹-۶۶۴ق) در «امان الاخطار» می گوید مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة را باید در سفرها با خود داشت. ابن ابی جمهور احسائی (زنده ۸۹۵ق) در «الثالی العمادية» بندهایی از آنرا آورده است. همچنین تقی الدین ابراهیم کفعمی (-۹۰۵ق) در «مجموع الغرائب» و شهید دوم (۹۱۱-۹۶۶ق) در «کشف الريبه و منية المرید و مسکن الفواد پاره‌هایی از آن را آورده‌اند. ایندانشمندان در این که مصباح الشريعة از امام صادق (ع) است شکی ندارند مگر این که شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق) در «ریاض العلماء» آنرا از کتاب‌هایی دانسته که نگارنده آن نادانسته است و گفته که برخی آنرا از هشام پسر حکم پنداشتند و درست نیست و باید از صوفیان باشد. با اینهمه سید حسین قزوینی (-۱۲۰۸ق) در «جامعالشرايع» می گوید که به گواهی ابن طاوس و شهید دوم و فیض باید آنرا از امام صادق (ع) دانست. حاج میرزا حسین بن محمد تقی نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ق) در مستدرک الوسائل که در ۱۳۱۹ق آنرا پایان رسانده پس از آوردن سخنان این دانشمندان می گوید که اینکتاب از سخنان صادق (ع) فراهم گردیده و رواست که با گفتار صوفیان همانند باشد چه آنان در سیر و سلوک و پارسایی آنچه گفته‌اند با رأی پیروان شریعت ناسازگار نیست، تنها مقامات و کراماتی که برای خود می گویند ما نمی پذیریم. او هر چه در این زمینه می بایست آورده است. مگر این که اگر دلیل سبک مجلسی و شیخ حر را بپذیریم باید گفت که در اینکتاب عبارات و اصطلاحاتی آمده که از قرن نخستین نباید باشد. آقای حسن مصطفوی در دیباچه چاپی روشن ساخته که از امام نیست. (دانش پژوه)

فهرست صد «باب» چنین است: ۱. الیابان، ۲. الأحكام، ۳. الرعاية، ۴. التیة، ۵. الذکر، ۶. الشکر، ۷. اللباس، ۸. السواک، ۹. التیروز،

۱۰. الطهارة، ۱۱. الخروج من المنزل، ۱۲. دخول المسجد، ۱۳. افتتاح الصلوات، ۱۴. قراءة القرآن، ۱۵. الركوع، ۱۶. السجود، ۱۷. التشهد، ۱۸. السلام، ۱۹. الدعاء، ۲۰. الصوم، ۲۱. الزکاة، ۲۲. الحج، ۲۳. السلام، ۲۴. العزلة، ۲۵. العبادة، ۲۶. التفکر، ۲۷. الصمت، ۲۸. الراحة، ۲۹. القناعة، ۳۰. الحرص، ۳۱. الزهد، ۳۲. صفة الدنيا، ۳۳. الورع، ۳۴. العبرة، ۳۵. التکلیف، ۳۶. الغرور، ۳۷. صفة النفاق، ۳۸. العقل، ۳۹. الوسوسة، ۴۰. العجب، ۴۱. الأکل، ۴۲. غض البصر، ۴۳. المشی، ۴۴. النوم، ۴۵. المعاشرة، ۴۶. الکلام، ۴۷. المدح و الذم، ۴۸. المراء، ۴۹. الغیبة، ۵۰. الریاء، ۵۱. الحسد، ۵۲. الطمع، ۵۳. السخاء، ۵۴. الأخذ و الإعطاء، ۵۵. المؤاخاة، ۵۶. المشاورة، ۵۷. الحلم، ۵۸. التواضع، ۵۹. الاقتداء، ۶۰. العفو، ۶۱. حسن الخلق، ۶۲. العلم، ۶۳. الفتنان، ۶۴. الأمر بالمعروف، ۶۵. آفة العلماء، ۶۶. آفة الفقراء، ۶۷. بیان الحق، ۶۸. معرفة الأنبياء، ۶۹. معرفة الأئمة، ۷۰. حرمة المؤمنین، ۷۱. بر الوالدین، ۷۲. الموعظة، ۷۳. الوصیة، ۷۴. الصدق، ۷۵. التوکل، ۷۶. الإخلاص، ۷۷. معرفة الجهل، ۷۸. تجهیل الإخوان، ۷۹. التوبة، ۸۰. الجهاد، ۸۱. الفساد، ۸۲. التقوی، ۸۳. ذکر الموت، ۸۴. الحساب، ۸۵. حسن الظن، ۸۶. التفویض، ۸۷. الیقین، ۸۸. الخوف و الرجاء، ۸۹. الرضاء، ۹۰. البلاء، ۹۱. الصبر، ۹۲. الحزن، ۹۳. الحیاء، ۹۴. الدعوی، ۹۵. المعرفة، ۹۶. حب الله تعالی، ۹۷. الحب فی الله، ۹۸. الشوق، ۹۹. الحکمة، ۱۰۰. حقیقة العبودیة.

آغاز: بسملة الحمد لله الذي نور قلوب العارفين بذكره و قدس ارواحهم بسره و بره و طهر افئدتهم بفكره و شرح صدورهم بنوره و انطقهم ببيانه (بثانته) و شكره و شغلهم بخدمته و وفقهم لطاعته و استعبدتهم بالعبادة على مشاهدته و دعاهم الى رحمته و صلى الله على محمد امام المتقين (المهتدين) و قايد الموحدين و مونس المقربين و على آله المنتجبين الابرار الاخيار و سلم و بعد فهذا كتاب مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة من كلام الامام الصادق المفترض الطاعة على سائر الانام ابى عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام و هو مشتمل على مائة باب و الله الموفق للصواب باب فى البيان قال الصادق عليه السلام نجوى العارفين تدور على ثلاثة اصول الخوف و الرجاء و الحب فالخوف فرع العلم و الرجا فرع اليقين و الحب فرع المعرفة فدلليل الخوف الهرب و دليل الرجا الطلب و دليل الحب ايثار المحبوب على ما سواه فاذا تحقق العلم فى الصدر خاف و اذا صح الخوف هرب و اذا هرب نجى و اذا اشرق نور اليقين فى القلب شاهد الفضل الخ انجام: فقال له والله ان التوراة والانجيل والزبور والفرقان وسائر الكتب ترجع الى هذه الثمان تم.

چاپ: مشار فارسی، ج ۴، ص ۴۷۷۵؛ ایران، شیراز، ۱۳۵۳ق، سنگی، وزیري، ۳۳۴ص؛ ایران، ۱۳۰۰ق، سنگی، جیبی، ۷۷ص (۲۲۰-۲۹۶)؛ ایران، ۱۲۹۹ق، سنگی، جیبی، ۷۴ص (۲۳۱-۳۰۴)؛ ایران، تهران، ۱۳۲۰ق، سنگی، جیبی، ۸۶+۱ص (۲۳۸+۳۳۳)؛ ایران، تهران، ۱۳۱۴ق، سنگی، جیبی، ۷۵ص (۲۲۹-۲۳۱)

فهرستگان: نسخه‌های خطی ایران (فخا)؛ جلد بیست و نه؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران

DIA 276267

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۲۰۱۳